

مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی

دکتر محمد باقر حشمت‌زاده*

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به مثابه یکی از حلقه‌های مهم تاریخ اسلام، ضمن ایجاد تلاطم‌ها و تحولات عظیم در ایران، تأثیرات قابل توجهی نیز بر محیط بین‌المللی و منطقه‌ای ایجاد کرده است. محیط منطقه‌ای و جهان اسلام به دلیل نزدیکی جغرافیایی و دینی که با ایران و انقلاب اسلامی دارند، از این واقعه بیشتر تأثیر پذیرفته‌اند.

این آثار با ابزارها و روش‌های مختلفی به وجود آمده و در ابعاد مختلفی گسترش یافته‌اند. همچنین تأثیر و بازتاب انقلاب اسلامی در جهان اسلام، فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگونی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است.

مقاله مذکور می‌کوشد به منظور بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی بر کشورهای مسلمان، چارچوبی نظری و روش‌شناسانه ترسیم کند.

مقدمه - اهمیت و ضرورت تحقیق

بیش از بیست سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و جمهوری اسلامی ایران به مثابه مهم‌ترین دست‌آورد این انقلاب، اینک سومین دهه حیات را در پیش‌رو دارد. جهت ترسیم بهترین خط‌مشی‌ها در دهه آینده و حتی در چشم‌اندازی طولانی‌تر برای داشتن کشوری

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مقتدر، مستقل و مرفه و توحیدی در سال ۱۴۰۰، لازم است، هزینه‌ها و خسارات و دست‌آوردها و نتایجی که طی بیست سال گذشته عاید انقلاب و نظام شده، به‌طور وسیع و عمیق و دقیق و عالمانه و منصفانه، شناخته و ارزیابی شود.

در این باره یکی از موضوعات و محورهای قابل توجه، مسئله تأثیر انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان است. این امر در دو دهه گذشته ضمن این‌که فرصت‌های بسیاری را برای ایران فراهم آورده، این کشور را در معرض تهدیدهای فراوانی نیز قرار داده است و لذا در دو دهه آینده برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و رفع و کاهش تهدیدها و تضمین توسعه و تداوم نظام جمهوری اسلامی، باید برای برقراری ارتباط با کشورهای مسلمان، طرح و راهبرد حساب شده‌ای در نظر گرفته شود. بنابراین ضروری است که در این باره مطالعات و تحقیقات شایسته‌ای به عمل آید. در این مقاله مختصر تلاش شده تا با استفاده از اطلاعات و پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، این مسئله مجدداً مطرح گردد و برای تحقیق درباره این مقوله بسیار مهم، وسیع و پیچیده، چارچوب و مدخلی مناسب تدوین و عرضه شود.

طرح موضوع و مسئله

در سال‌های اخیر دولت ایران در حمایت از حقوق مردم فلسطین و نفی سلطه و توسعه صهیونیسم، با روند سازش اعراب و اسرائیل مخالفت نموده است.^۱ در این باره دولتمردان امریکایی و برخی رسانه‌های غربی، حساسیت‌ها و واکنش‌های شدیدی از خود نشان داده و ایران را حامی تروریسم و مخالف صلح در خاورمیانه نامیده^۲ و با این دست‌آویز تبلیغ‌ها و تحریم‌های متعددی اعمال کرده‌اند که در حد خود برای ایران تنگناها و هزینه‌های قابل توجهی در پی داشته است. امریکایی‌ها بارها در تبلیغاتشان اعلام کرده‌اند که پیش‌شرطشان برای برقراری رابطه، آن است که دولت ایران نه از تروریسم در منطقه حمایت کند و نه به مخالفت با روند صلح بپردازد.^۳

به این ترتیب آن دولت از مسئله فوق به‌زعم خود اهرم فشاری درست کرده تا به آن وسیله از ایران امتیاز گرفته، اهداف و منافع خود را تأمین نماید.

در واقع آنچه ایران به‌منزله حمایت از جنبش مردم مسلمان فلسطین انجام می‌دهد و تبلیغ می‌نماید، امریکایی‌ها حمایت از تروریسم و مخالفت با صلح می‌دانند و می‌نامند. در دو دهه

اخیر در مقاطع مختلفی دیده شده که دولت‌هایی نظیر اردن، ترکیه، عراق، تونس، مراکش، الجزایر، مصر، بحرین، عربستان و... جنبش‌ها و آشوب‌های ملی و اسلامی مردمشان را به ایران نسبت داده و گاه تا حد قطع رابطه و اکنش نشان داده‌اند. در قضایای بوسنی، افغانستان، کشمیر، چین، کوزوو، پاکستان و لبنان... نیز دولت ایران به شکل‌های گوناگون و کم یا زیاد حضور داشته و مردم مسلمان را حمایت و همراهی کرده است و دولت‌ها و مردم مسلمان سراسر جهان نیز طی این سال‌ها به شیوه‌های گوناگون در برابر ایران احساسات و واکنش‌های قابل توجهی نشان داده‌اند.

با توجه به اطلاعات و مفروضات فوق می‌توان این فرضیه و مدعا را مطرح کرد که: «اعمال و رفتار ایران در قبال جهان خارج به‌خصوص دنیای اسلام، اقدامات و واکنش‌های دولت‌های مسلمان و غیرمسلمان در مقابل مردم و دولت ایران در این دو دهه که متأثر از انقلاب اسلامی بوده است، موضوعات و مقوله‌های مهم و چشمگیری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل بوده‌اند».

این مطلب و این موضوع چه در سطح عملی و کاربردی و چه در سطح علمی و نظری برای عاملان و عالمان سیاست پرشش اصلی و اساسی زیر را به وجود آورده است:

«انقلاب اسلامی ایران چرا، چگونه و به چه میزان در جهان اسلام و کشورهای اسلامی تأثیر داشته است»؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تال جامع علوم انسانی

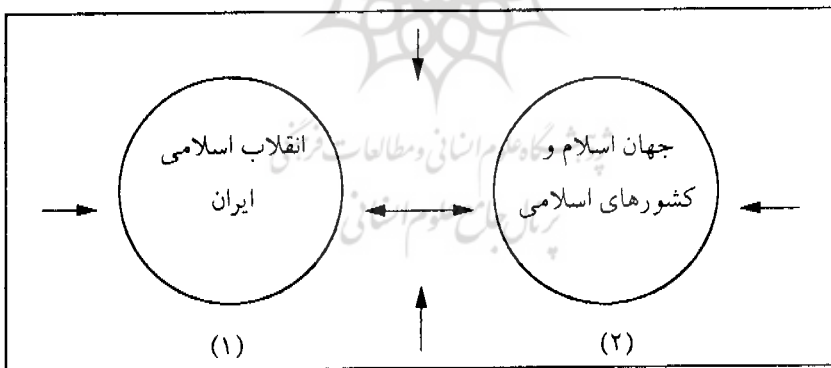
در این جا انقلاب اسلامی ایران را علت و متغیر مستقل، و برخی تحولات و جنبش‌های فکری، مذهبی، سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام و کشورهای اسلامی را معلول و متغیر وابسته در نظر گرفته‌ایم.

قلمرو و ظرف تعامل و تأثیر فوق بسیار وسیع و گسترده است و از نظر زمانی دو دهه و از نظر مکانی گستره‌ای از جغرافیای طبیعی و سیاسی جهان را شامل می‌شود که سکونتگاه بیش از یک میلیارد مسلمان است. تحقیق و تأمل در این زمینه هنگامی پیچیده‌تر می‌شود که در نظر بگیریم روابط فوق در خلأ صورت نگرفته بلکه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی اتفاق افتاده‌اند و شرایط و بازیگران این محیط گاه به صورت مانع و گاه به صورت عاملی تشدیدکننده، تعامل

انقلاب اسلامی و جهان اسلام را متأثر کرده‌اند. با توجه به این مفروضات، شرح و اثبات تأثیر انقلاب اسلامی به لحاظ علمی و روشی، امری دشوار است. جمع‌آوری اطلاعات و اخبار به‌طور وسیع، داشتن و به‌کارگیری چارچوب‌های نظری کارآمد برای دسته‌بندی و جمع‌بندی اطلاعات، اتخاذ روشی مناسب برای تجزیه و تحلیل و استنتاج اطلاعات، مقدمات و لوازمی کاملاً ضروری برای گروه پژوهش است که از طریق آن‌ها می‌توان پرسش اصلی و اساسی مورد بحث را پاسخ گفته، فرضیه زیر را شرح و اثبات نمود:

انقلاب اسلامی ایران به دلیل داشتن ریشه دینی و تاریخی مشترک با جهان اسلام و کشورهای اسلامی، توفیق در براندازی نظام شاهنشاهی و استقرار دولتی دینی و طرح اندیشه وحدت دنیای اسلام و احیای اسلام و ارائه چهره‌ای ظلم‌ستیز و مظلوم پناه، به طرق مختلف و با ابزارها و روش‌های گوناگون، کشورهای اسلامی را به نحو محسوس و ملموسی متأثر و متحول نموده است.

محیط منطقه‌ای و جهانی تعامل متغیرها



شناخت اجمالی انقلاب اسلامی

در این‌جا نخست باید توضیح داد که بررسی و شناخت تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی و مسلمان در مجموعه معرفت انقلاب و انقلاب‌شناسی چه جایگاهی دارد؟ بنابراین با بررسی علمی انقلاب اسلامی برآنیم تا فرضیه این مقاله را شرح و اثبات کنیم.

پرسش‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی، پدیده‌ی کلان اجتماعی است و چنانچه موضوع پژوهشی خاص قرار بگیرد، پرسش‌ها و مجهولات اساسی زیر برای پژوهشگران طرح خواهد شد:^۴

۱- زمینه‌ها، علل و عوامل شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چه بوده است؟
۲- اهداف توده‌ها و نخبگان و رهبران از انقلاب چه بوده و با چه شیوه‌هایی آن‌ها را دنبال کرده‌اند؟

۳- در مقایسه با سایر انقلاب‌ها ماهیت و متمایزهای این انقلاب چیست؟

۴- پس از گذشت دو دهه، این انقلاب چه آثار و نتایج و پی‌آمدهایی داشته و با چه آفات و موانعی روبه‌رو بوده است و در مقابل خود چه چشم‌اندازی دارد؟

اگر پرسش‌های فوق به‌طور مستند و مستدل پاسخ داده شوند، انقلاب اسلامی به‌صورت وسیع و عمیق و دقیق شناخته خواهد شد. با در نظر گرفتن پرسش‌های چهارگانه فوق و پاسخ‌های آن‌ها، مسئله تعامل و تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای مسلمان مطرح و پاسخ داده می‌شود.

۱- زمینه‌ها و علل انقلاب اسلامی

هنگامی که از علل و عوامل انقلاب اسلامی پرسش می‌شود، مجموعه و زنجیره‌ای از علل فردی و اجتماعی، داخلی و خارجی، سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به چشم می‌خورند که به‌صورت اصلی یا فرعی، مستقیم یا غیرمستقیم، کم و زیاد در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب ایران نقش آفرینی کرده‌اند.^۵

در بین علل فرهنگی و سیاسی خارجی که به‌صورت مؤثری در انقلاب ایران نقش ایفا کرده‌اند، به جنبش‌های اسلامی تاریخ معاصر در جهان اسلام می‌توان اشاره نمود. برای نمونه جنبش اخوان المسلمین مصر و افکار و اقدامات آنان در زمینه وحدت و احیای اسلام که بخش عمده‌ای از دنیای اسلام را متأثر کرد، در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، توده‌ها و نخبگان مذهبی و سیاسی ایران را نیز تحت تأثیر قرار داد^۶ و زمینه و ریشه‌ای برای انقلاب ایران فراهم آورد. همچنین جنبش‌های ملی - مذهبی مردم مسلمان فلسطین برای مقابله با صهیونیسم، همواره مردم و رهبران مذهبی ایران را بسیج و تحریک می‌کرد^۷ و همراهی و حمایت شاه از

اسرائیل، از علل و محرک‌های انقلاب بود. با این دیدگاه و با این مفروضات می‌توان به بخشی از پرسش اصلی این پژوهش پاسخ داد، که چرا انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی تأثیر داشته است؟

پاسخ این است که جهان اسلام و کشورهای اسلامی چون رنگ و بو و آثاری از جنبش‌ها و آرمان‌های خود را در انقلاب ایران مشاهده می‌کردند، مانند آشنایی دیرینه از آن تأثیر گرفته‌اند. بنابراین امواج انقلاب ایران در دیگر کشورها بیش از آنکه جنبه تأسیسی داشته باشد احیاگر و تشدید کننده بوده است یعنی در همه کشورهای اسلامی در یکی دو سده اخیر جنبش‌ها و خیزش‌های اسلامی وجود داشته‌اند و انقلاب ایران عمده‌تاً یک‌بار دیگر آن‌ها را تشدید کرده و توسعه داده است.

توجه به نکته فوق از نظر تحقیق، تبلیغ و تصمیم‌گیری، بسیار حائز اهمیت است. چون در داخل و خارج از ایران این دیدگاه زیاد به چشم می‌خورد که «انقلابیون ایران تماماً و عامداً در پی صدور انقلاب بوده‌اند و به این منظور هزینه زیادی به خود و دیگران تحمیل کرده‌اند و نتیجه‌ای هم نگرفته‌اند». این نظریه در جای خودش قابل بررسی است، اما اگر ثابت شود که بخش عمده‌ای از اثرگذاری انقلاب ناشی از فراهم بودن زمینه‌های آن در جهان اسلام و تقاضای کشورهای مسلمان برای تحقق آن بوده و جذب امواج انقلاب در کشورهای اسلامی به خاطر هم‌ریشه‌ای بودن با انقلاب ایران، به صورتی کاملاً طبیعی اتفاق افتاده است، دیدگاه و نظریه بالا تا حد زیادی کم‌رنگ و فرعی می‌شود و تبلیغات و اهرم‌های فشار دولت‌های منطقه و نظام جهانی علیه ایران بی‌اثر می‌گردد.

۲- اهداف و شیوه‌های انقلاب اسلامی

جایگاه این پژوهش عمده‌تاً در پرسش دوم انقلاب اسلامی می‌گنجد. پرسش این بود که اهداف توده‌ها و نخبگان و رهبران از توسل به انقلاب اسلامی چه بوده و با چه روش‌ها و شیوه‌هایی آن‌ها را دنبال کرده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که هدف غایی و نهایی انقلاب، احیای مجدد اسلام و تبلیغ، ترویج، توسعه و تعمیق عقاید و احکام دینی بوده است.^۸ فرد و جامعه باید اسلامی شود، افکار و رفتار افراد باید از عقاید و احکام اسلام تبعیت کند، اقتصاد، سیاست و فرهنگ جامعه هم باید مطابق ارزش‌ها و احکام اسلامی سامان‌دهی شود.

اهداف فوق را می‌توان از جنبه‌های مختلف دسته‌بندی کرد که عبارتند از: زمانی، مکانی، اهم و مهم، اصلی و فرعی، مستقیم و غیرمستقیم. از نظر مکانی و جمعیتی، رسالت پیامبر(ص) اشاعه و اجرای اسلام برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها بوده است.^۹ متأثر از جهان‌شمولی این دین، انقلاب ایران نیز به‌طور رسمی و قانونی و عملی رسالتی فرامرزی، منطقه‌ای و جهانی برای خود قائل بوده است.^{۱۰} به‌منظور رسیدن به چنین هدف و رسالتی، دولت ایران طی این دو دهه، اصول و راهبردهایی را تدوین کرده و اقداماتی را انجام داده و روش‌ها و ابزارهایی را به کار گرفته است.

مقولهٔ صدور انقلاب^{۱۱} و حمایت از جنبش‌های اسلامی در همین جا معنا پیدا می‌کنند و می‌توانند اهدافی چون احیای اسلام و اتحاد مسلمانان را تحقق بخشند.

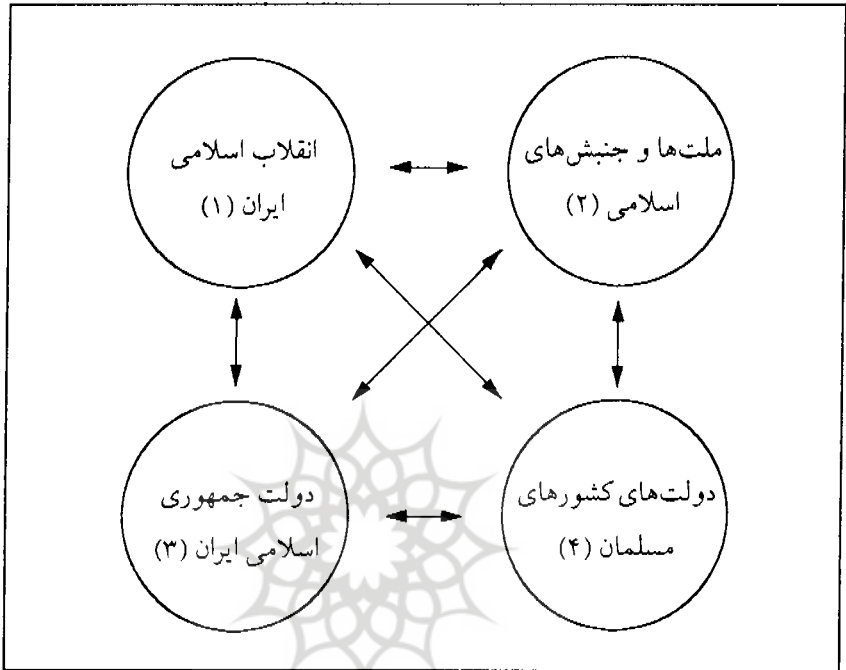
از یک دیدگاه، صدور انقلاب را می‌توان به‌مثابه راهبردی اساسی نگریست و ایران را به حمایت و پشتیبانی از جنبش‌ها و نشر و بسط اسلام در خارج از مرزها مکلف دانست.^{۱۲} در دیدگاهی دیگر، حمایت و هزینه کردن برای جنبش‌ها و توسعهٔ اسلام و صدور انقلاب را می‌توان گاه به‌صورت تاکتیکی و عملیاتی نگریست^{۱۳} و تا جایی که مجاز است در خارج از مرزهای کشور، از این وسیله به‌مثابه اهرم فشار و عامل بازدارندهٔ دشمنان و مخالفان ایران و انقلاب استفاده کرد. در دههٔ نخست انقلاب و تا پایان جنگ و رحلت حضرت امام خمینی(ره)، اصل «صدور انقلاب» به‌نوعی در افکار و اعمال دولتمردان و تصمیم‌گیرندگان کشور متجلی بود، اما در بخش عمده‌ای از دههٔ دوم انقلاب به دلیل ضرورت‌های بازسازی و توسعه، عمدتاً اندیشهٔ حفظ نظام و کشور و تثبیت اوضاع، حاکمیت و تسلط یافت و امکانات و توانایی‌های کشور نتوانست همچون گذشته به سمت خارج برود، لذا کمک‌های ایران در بوسنی و لبنان، فلسطین و افغانستان و... اغلب در چارچوب‌های سیاسی و دیپلماتیک و زیر پوششی دوستانه و با تبلیغات و سر و صدایی کمتر صورت گرفت.

در این دوره در عرصهٔ فرهنگ و سیاست و عمدتاً در سطح جوانان و دختران مسائلی پیش آمد که گاه نشان‌دهندهٔ گرایش‌های غربی و غیراسلامی بود و لذا به تدریج مقولهٔ «تهاجم فرهنگی» مطرح شد و مسئلهٔ صدور انقلاب از شور و شدت افتاد. تهاجم فرهنگی در نقطهٔ مقابل صدور انقلاب قرار داشت و حاکی از آن بود که در زمان خاموش شدن آتش جنگ، بازیگران جهانی و ابرقدرت‌ها برای تضعیف و براندازی انقلاب و جلوگیری از صدور آن از طریق رسانه‌ها^{۱۴} و

ارتباطات و ماهواره‌ها، ارزش‌های فرهنگی و اسلامی را هدف قرار داده‌اند.

پس از انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و طرح اندیشه‌ها و اهدافی همچون توسعه سیاسی و جامعه مدنی،^{۱۵} مقوله جدیدی به نام گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شد که می‌توانست به مثابه سنتز (هم‌نهاد) و محصول تلفیق دو مقوله قبلی یعنی «صدور انقلاب» و «تهاجم فرهنگی» تلقی شود. روابط خارجی ایران و تداوم تأثیرات انقلاب اسلامی در فراسوی مرزها و رابطه و حمایت از جنبش‌های اسلامی در دهه سوم انقلاب به نوعی ذیل عنوان گفت‌وگوی تمدن‌ها تعریف و اجرا خواهد شد. برپایی اجلاس کنفرانس سران اسلامی در آذر ۱۳۷۶ در تهران و حضور گسترده و چشمگیر سران در این گردهمایی، زمینه‌های مناسبی برای تنش‌زدایی از روابط بین ایران و برخی کشورهای بزرگ و مؤثر اسلامی همچون عربستان و مصر فراهم کرد. با این محمل و پشتوانه اینک دولت ایران به منزله مرکز و پیشتاز جهان اسلام، اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها را عمدتاً با جهان صنعتی غرب پی می‌گیرد و ضمن تنش‌زدایی از روابط خود با کشورهای غربی، فشارهای آن‌ها را خنثی می‌کند، گرچه اقدامات و تبلیغات امریکا با بزرگ‌نمایی خطر صدور انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی، مانع تحقق کامل وحدت و همگرایی جهان اسلام و نزدیکی آن با ایران می‌شود. البته تنش‌زدایی از روابط بین دولت جمهوری اسلامی با دولت‌های غربی و دولت‌های اسلامی عربی می‌تواند موجب کاهش محبوبیت و نفوذ انقلاب اسلامی بین توده‌های مسلمان و جنبش‌های اسلامی شود و بر سر راه تأثیرگذاری انقلاب در بین ملل و امت‌های اسلامی سد ایجاد کند.

الگوی ذرات باردار در روابط متغیرهای چهارگانه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳- اهداف و شیوه‌های انقلاب اسلامی

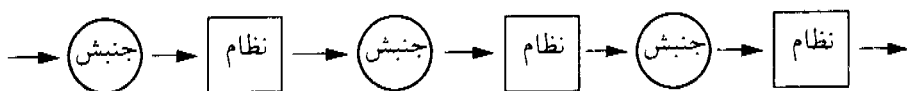
برای توضیح و تبیین و تصمیم‌گیری صحیح درباره روابط پیچیده فوق در این تحقیق، الگویی با عنوان «الگوی ذرات باردار» طرح و به کار گرفته شده است که در این جا آنرا تشریح و با واقعیات و داده‌هایمان تطبیق می‌کنیم.

اساس این نظریه مربوط به عرصه طبیعت و فیزیک است. در یک نظام و چارچوب سیستمی، اشیا و موجودات ضمن داشتن روابطی معین با یکدیگر، میدان عمل و مانور مشخصی نیز دارند و حرکت و تغییر هر شیء به درجاتی موجب حرکت و تغییر سایر اشیا می‌شود. در این نظام، قطب‌های دارای بار مشابه یکدیگر را دفع، و قطب‌های متضاد یکدیگر را جذب می‌کنند. با این مفروضات می‌توان تأثیرات و تعاملات اشیا و ذرات باردار درون نظامی

طبیعی و فیزیکی را قابل توضیح، تبیین و پیش‌بینی کرد و به سود خود تحت کنترل در آورد. این الگو را با قدری مسامحه و طرح پیش‌فرض‌هایی می‌توان برای توضیح و تبیین و تصمیم‌گیری دربارهٔ تأثیر و تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای مسلمان به کار گرفت.

مفروضات ما چنین است:

جوامع و گروه‌های انسانی در سیر تحول زمانی و تاریخی خود به‌طور مستمر از دو گذار به‌نام «جنبش» و «نظام» عبور می‌نمایند.^{۱۶} اوج و کمال جنبش‌های اجتماعی، انقلاب‌ها هستند و اوج و کمال نظام و ثبات جوامع، تأسیس و استقرار دولت است.



نظام‌ها و دولت‌ها به روابط و رفتار آدمیان سامان و ثبات می‌دهند اما از آن‌جا که پیدایی و رشد خواسته‌های جدید بشری و ضرورت به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای جدید و لزوم ابتکار و نوآوری، پس از چندی وضع موجود و نظم و ثبات جاری را به چالش می‌طلبند، جنبش‌های فکری سیاسی و اجتماعی بروز می‌کنند. جنبش نیز به سوی نهادهای جدید گرایش می‌یابد تا ارزش‌ها و قالب‌های فکری و رفتاری نوینی را استقرار و استمرار بخشد. جنبش‌ها و نهضت‌ها در سیر تاریخ و زمان، سرانجام می‌توانند به‌صورت انقلابی وسیع و عمیق ظاهر شوند و همهٔ ابعاد و ارکان دولت و جامعه را به لرزه درآورند و داعیهٔ دگرگونی بنیادی همه چیز را داشته باشند. نظام‌های اجتماعی و سیاسی نیز به تدریج رشد و کمال یافته، سرانجام به شکل دولتی تام و تمام ظاهر می‌شوند. در یک‌صد سال اخیر، ایران در تاریخ و جامعهٔ خود نهضت‌ها و جنبش‌ها و قیام‌هایی همچون قیام تنباکو، نهضت مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت و قیام پانزدهم خرداد را تجربه کرده است.^{۱۷} انباشت تجربیات و انرژی‌های مذکور، زمینه را برای بروز و ظهور انقلاب دینی اجتماعی و سیاسی همه‌جانبه‌ای فراهم کرد که امواج مداوم و بلند آن از مرزها گذشت و کشورهای اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. گرچه بیشتر دولت‌ها و نظام‌های مستقر در کشورهای اسلامی از آن وحشت کردند و خواهان دفع و دوری از آن بودند، اما اغلب ملت‌ها و جنبش‌های مردمی و اسلامی به نوعی آن‌را جذب کرده، به سوی آن گرایش یافتند. در داخل نیز به‌طور معمول امام و امت و رهبران انقلاب، دست‌اندرکار سامان‌دهی، نهادهای کردن و

سازمان‌دهی ارزش‌ها، رفتارها و روابط جدید شدند. دولت جمهوری اسلامی مظهر و نماد نظم نوین بود. دغدغهٔ امام(ره) برای تدوین قانون اساسی و تعیین و انتخاب مسئولان و ارگان‌های نوین در همان ماه‌های نخست انقلاب، نشانهٔ نهایت کوشش رهبری، برای تأسیس و استقرار نظم و دولت جدید بود. اما انرژی عظیم مردمی و مذهبی که به وسیلهٔ انقلاب آزاد شده بود، به راحتی و به زودی قابل قانون‌مندی، قالب‌گیری و سامان‌دهی نبود. جاذبه و تقاضایی که ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی برای جذب انقلاب ایران نشان دادند و همچنین تبلیغات و اقدامات منفی دولت‌های غربی و اسلامی و عربی در دفع و تحدید انقلاب ایران، موجب تشدید امواج انقلاب شد و کار نظام‌سازی و استقرار دولت و ایجاد ثبات را دشوارتر کرد و به تعویق انداخت. به این ترتیب ایران در داخل دچار بحرانی بود که از عبور کشور از انقلاب و تأسیس نظام و دولت ناشی می‌شد و لذا رفتارها و علایم متفاوتی از آن سر می‌زد. جامعه هر چه بیشتر به سوی نهادینه شدن و نظام‌بندی پیش می‌رفت و اعمال و رفتاری ملازم با آن نشان می‌داد، به ناچار در چارچوب قواعد متعارف بین‌المللی و عرف دیپلماتیک قرار می‌گرفت و این امر زمینه را برای نزدیکی و همگرایی جمهوری اسلامی با دولت‌ها فراهم می‌آورد. در این صورت ایران می‌توانست منافع ملی و مصالح انقلاب اسلامی خود را تا حد ممکن در این مسیر تعقیب و تحصیل کند. اما در عین حال این امر می‌توانست سبب دور شدن و بی‌اعتمادی جنبش‌ها و توده‌های مسلمانان از ایران شود. برعکس، در زمان جورشش انقلاب و مطرح شدن اندیشهٔ صدور انقلاب و سرمایه‌گذاری در این زمینه با در نظر گرفتن جنبش‌های اسلامی، دولت‌ها نوعاً احساس ترس و تهدید کرده، از ایران دور شده، برای تضعیف، تحدید و حتی براندازی انقلاب اسلامی سرمایه‌گذاری کرده، به هم نزدیک شدند. اوج این مسئله در حملهٔ عراق به ایران و پشتیبانی بیشتر کشورهای عربی و اسلامی و ابرقدرت‌ها از آن و تأسیس شورای همکاری خلیج فارس متجلی شد.^{۱۸} در این حالت کم و بیش توده‌ها و جنبش‌های اسلامی به ایران نزدیک شدند و بعضی از آن‌ها مانند حزب الله لبنان، کم و بیش مبدل به جزئی از ایران گردیدند. البته در میان مدت دشمنی و نزاع بین دولت‌های اسلامی با ایران، سبب شد که آن‌ها برای تخریب چهرهٔ انقلاب، دست به تبلیغات منفی وسیعی بزنند و بسیاری از راه‌ها و مجاری ارتباط انقلاب اسلامی ایران با مردم را قطع نمایند. در نتیجه گاه مشاهده می‌شد که جاذبهٔ عمومی انقلاب به تدریج کاهش می‌یابد و حتی در برخی کشورها مبدل به بی‌اعتنایی یا عناد می‌شود.

چنین نتایجی سبب شد که اندیشه نظام‌مند شدن انقلاب و استقرار و ثبات دولت جمهوری اسلامی در برخی افراد و گروه‌های کشور تقویت شود و بخواهند تا از طریق نزدیکی به دولت‌های مسلمان و به شیوه‌هایی فرهنگی و در عین حال زیرکانه، با امکان ارتباط با مردم مسلمان، آرمان احیا و اتحاد اسلام را تعقیب کنند.^{۱۹}

مسئلاً از طرف مقابل نیز دولت‌های عربی - اسلامی با نزدیکی و همگرایی با دولت جمهوری اسلامی درصدد برآمدند تا ایران بعد از انقلاب را در چارچوب الزامات متعارف سیاسی بین‌المللی و حکومتی مهار و امکان و احتمال صدور انقلاب و بسیج و تحریک مردمشان را خنثی نمایند. به‌رحال یکی از مسائل مؤثر در جناح‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های داخل کشور در سال‌های اخیر، نوع برداشت و تجویزی است که درباره سیاست خارجی و نوع برقراری رابطه با کشورهای اسلامی وجود دارد. برخی افراد و گروه‌ها، انقلاب را امری مستمر و موجود می‌دانند و لذا رفتار سیاست خارجی کشور را در این جهت می‌بینند و ممکن است تنش‌زدایی با دولت را نوعی عقب‌نشینی از اصول و آرمان‌های انقلاب و مانع نزدیکی به توده‌ها و جنبش‌های اسلامی تلقی کنند. در این طرز تلقی، انقلاب صرفاً به‌مثابه نوعی مرحله گذار در تاریخ جوامع بشری مورد پذیرش همگان نیست.

در نگرشی دیگر می‌توان انقلاب را مرحله گذار و موقتی تلقی کرد که البته نظام‌مند شدن آن قدری طولانی است اما به‌رحال الزاماً باید به سوی ثبات و استقرار رفت و دولت را به‌مثابه مظهر کمال نظام، استقرار و استمرار داد و منافع ملی و مصالح اسلامی را در داخل و خارج به‌وسیله نظام تعقیب و تحصیل کرد. البته در این صورت احتمال دور شدن از جنبش‌ها و توده‌های اسلامی افزایش می‌یابد، اما این به عهده دولتی باتجربه، مقتدر و مشروع است که با حرکت‌های حساب شده و تغییرات و جابه‌جایی‌های مناسب، نظام را در نقطه تعادل قرار دهد و با همه بازیگران و متغیرهای موجود در نظام منطقه‌ای و جهانی، رفتار و رابطه مناسب برقرار کند.

۴- روش‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین اهداف انقلاب ایران فراهم کردن شرایطی مناسب برای اسلامی کردن فرد و جامعه بوده است^{۲۰} و از آن‌جا که نظام استبدادی و دیکتاتوری شاهنشاهی اصلی‌ترین مانع تحقق این

اهداف تلقی می‌شد، بنابراین هدف مقدم و ابزاری انقلاب، سرنگونی این نظام و رفع هرگونه مانعی بود که بر سر راه استقرار و استمرار دولت اسلامی وجود داشت.

در دیگر انقلاب‌های معاصر، براندازی دولت مستبد و تأسیس و استقرار دولت نوین، با توسل به جنگ مسلحانه و شورش خونین مردمی صورت گرفته است. این وسیله و این خصیصه جایگاه مهمی در انقلاب‌های پیشین داشته است؛ به طوری که هرگاه واژه انقلاب مطرح می‌گردیده، جنگ مسلحانه و شورش خونین مردمی به ذهن تداعی می‌شده است و بی‌سبب نیست که رنگ سرخ را به مثابه نماد انقلاب می‌شناسند. در انقلاب اسلامی ایران تاحدودی قضیه تفاوت داشت؛ زیرا مهم‌ترین روش‌ها و شیوه‌های انقلاب و بسیج مردمی که موجب سرنگونی نظام شاهنشاهی و تأسیس دولت جمهوری اسلامی گردید عبارت بودند از:

(۱) راه‌پیمایی، (۲) تظاهرات، (۳) اعتصابات، (۴) شعارهای مردمی.

البته نیروهای مسلح شاه‌گناه دست به کشتار زده، انقلاب را خونین کردند. اما انقلاب ایران کاملاً مردمی بود و جنگ مسلحانه به آن صورت نقشی تعیین‌کننده نداشت. اصولاً شیوه‌های مردمی فوق و عدم توسل به جنگ چریکی انقلابی و سازمان‌یافته، سبب خلع سلاح روانی ارتش شاهنشاهی شد و انگیزه برخورد آن‌ها با تجمع مردم را از بین برد. روش‌های نسبتاً بدیع و متین مذکور که ملهم از روح فرهنگ اسلامی و عمدتاً ناشی از صواب‌دیدهای رهبری انقلاب بود، توجه جهانیان و به خصوص کشورهای اسلامی را به خود جلب و تأثیر به‌سزایی در آن‌ها ایجاد کرد. پس یکی از پاسخ‌ها به پرسش اصلی این نوشته که چرا انقلاب اسلامی تأثیر داشته، آن است که شیوه‌های انقلاب، متین، مردمی، اسلامی و کارساز بوده‌اند.

از آن زمان تاکنون بارها شاهد بوده‌ایم که در نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی، مردم کشورهای مسلمان نظیر افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، مصر، تونس، الجزایر، مراکش و... در برخورد با استبداد و استعمار به نوعی از روش‌های فوق بهره‌گرفته‌اند. مثلاً در راه‌پیمایی جبهه نجات اسلامی الجزایر، مردم هنگام ظهر در خیابان‌ها نماز جماعت خواندند. حتی در سال‌های اخیر سیاه‌پوستان مسلمان آمریکا به راه‌پیمایی و تجمع عظیمی در واشنگتن و اطراف کاخ سفید پرداختند. همچنین مسلمانان اروپا به خصوص انگلیس به مناسبت‌های مختلف از جمله در تأیید فتوای امام (ره) علیه «مسلمان رشدی»، راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات بسیار بزرگی ترتیب دادند.

به این ترتیب مسلمانان با الهام از الگوها و روش‌های انقلاب ایران در داخل کشورهايشان و

در سطح جهان، قدرت و هویت خویش را به رخ جهانیان کشیده و خود را به منزله نیرویی تأثیرگذار بر جریانات بین‌المللی نشان داده‌اند.

راه‌پیمایی برائت از مشرکان که در مکه و با حضور زائران ایرانی و دیگر مسلمانان به راه افتاد، نمونه مؤثر و حساب‌شده‌ای از صدور الگوهای انقلاب به سراسر جهان اسلام بود، و برخورد خشن و کشتار خونین راه‌پیمایان در ماه حرام و در حریم امن الهی، عمق هراس دولت‌ها از اثربخشی این الگو را نشان می‌داد.

۵- ماهیت و ممیزه‌های انقلاب اسلامی ایران

وقایع انقلاب در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به دلیل برخی مشترکات، همگی ذیل مقوله کلی انقلاب قرار می‌گیرند. اما انقلاب‌ها با توجه به زمینه‌های متفاوت اجتماعی و تاریخی و فرهنگی، هریک دارای خصایص جداگانه‌ای هستند. مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب ایران را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱- الهی - مکتبی بودن،

۲- مردمی و سراسری بودن،

۳- رهبر و رهبری ویژه داشتن،

۴- اصالت و مشروعیت.^{۲۱}

جوهری‌ترین ویژگی انقلاب ایران، الهی - مکتبی بودن آن است؛ زیرا انقلاب فرانسه به مثابه الگوی انقلابات لیبرال - دموکرات اندیشه جدایی دولت از دین را رسمیت بخشید. انقلاب روسیه به منزله الگوی انقلابات سوسیالیستی - کمونیستی، یک قدم جلو گذاشت و اندیشه تقابل و ستیز دولت^{۲۲} با دین را عملی کرد. این قبیل ایدئولوژی‌ها و مکاتب انسان‌ساخته به همراه غرور ناشی از پیشرفت‌های علمی و فنی، شرایطی پیش آوردند که دین و مذهب و ارزش‌های اخلاقی به حاشیه زندگی اجتماعی رانده شدند و در زندگی فردی نیز فقط به مثابه افکار و ایمان درونی و آن‌هم به‌سختی ادامه حیات دادند. البته در سطح جهان صنعتی، مادی شدن انسان و جامعه تنگناهایی ایجاد کرده بود و در سطح دنیای اسلام نیز ایدئولوژی‌های وارداتی از قبیل ناسیونالیسم، سوسیالیسم، کمونیسم، لیبرالیسم و دموکراسی و ... مدتی میدان‌داری و ابراز وجود کردند اما در نهایت نتوانستند برای وحدت، هویت‌بخشی، استقلال و

آزادی و توسعه، کار چشمگیری انجام دهند و لذا پایگاه عمیقی در میان مردم و جامعه پیدا نکردند.

در چنین دوره‌ای است که برخلاف انتظار همگان، به ناگهان شعله‌های عظیم انقلاب اسلامی سرکشید و رهبری و مردم در لوای مکتبی الهی، خواهان براندازی حکومت شاه و کسب استقلال و آزادی و تأسیس جمهوری اسلامی شدند. بنابراین یکی از دلایل مهم اثرگذاری انقلاب ایران در جهان اسلام همین ویژگی الهی - مکتبی بودن آن است؛ یعنی خستگی ملت‌ها از مکاتب انسان‌ساخته مادی‌گرا، زمینه مساعدی را برای جذب و جلب به سوی مکتبی خدایی و فطری فراهم آورد. مردم کشورهای اسلامی نیز به یکباره به قدرت عظیم مکتب اسلامی پی‌بردند و برای استفاده از آن جهت تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های ملی برانگیخته شدند.

دومین ویژگی انقلاب اسلامی ایران، مردمی - سراسری بودن آن است. در حوادث انقلاب همه مردم در سراسر کشور به‌طور فعال و جدی حضور داشتند. البته یکی از ویژگی‌های مشترک همه انقلاب‌ها نقش مشارکت و بسیج مردمی است. مردمی - سراسری بودن انقلاب نقشی فوری و اساسی در پیروزی انقلاب و براندازی شاه داشت و این خصیصه‌ای بود که سایر ملل مسلمان به سرعت به سوی آن جلب شدند و از آن تقلید کردند.

برجستگی این ویژگی در انقلاب ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌ها ناشی از دلایلی است که مهم‌ترین آن همان ویژگی نخست است، یعنی فقط دینی الهی و مکتبی قادر است مردم را چنین بسیج کند و به اهدافشان برساند. پس ویژگی‌های انقلاب ایران نقش مهمی در صدور انقلاب و تأثیرگذاری آن بر جهان اسلام داشته است. برای مثال حتی احزاب سیاسی در کشورهای اسلامی متوجه شدند که با تمسک به دین، بهتر و وسیع‌تر می‌توانند مردم را در مقابل استبداد یا استعمار و اشغالگران بسیج کنند. برای نمونه راه‌پیمایی روز قدس، اهرم فشار بسیار قدرتمندی در اختیار دولت‌های اسلامی قرارداد تا از طریق آن به بسیج مردمی بپردازند و قدرت خود را به رخ رقبا و غربی‌ها و صهیونیست‌ها بکشند.

ویژگی سوم انقلاب ایران نقش و جایگاه رهبر و رهبری امام خمینی (ره) است. این مدعا قابل طرح و اثبات است که امام خمینی (ره) از شروط لازم و کافی انقلاب بوده است. انقلابات دیگر فاقد چنین رهبری بوده‌اند. این‌که چرا امام در انقلاب ایران به چنین نقش و جایگاه رفیع، اساسی و تعیین‌کننده‌ای رسید، نکته مهمی است که پی‌بردن به آن نیاز به پژوهش گسترده‌ای

دربارهٔ ویژگی‌های رهبری حضرت امام(ره) دارد؛ زیرا همین ویژگی رهبری است که زمینهٔ مساعدی را برای صدور انقلاب و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی فراهم آورد.

امام (ره) شخصی بود که از جوانی افکار و رفتار خود را مطابق احکام و عقاید اسلامی پرورانده بود. بنابراین هم عالم و هم عامل به اسلام بود و به همین دلیل وقتی مردم ایران و کل امت اسلامی را به احیا و اتحاد دعوت نمود، پیامش اثربخش بود. امام از موضع یک روحانی، یک مرجع تقلید، یک عارف و زاهد، یک مجاهد و فیلسوف، و در سن پختگی و میان‌سالی و پیری، به حکم عمل به تکلیف الهی و شرعی، و نه ریاست‌طلبی و دنیاخواهی، مردم ایران و همهٔ مسلمانان را به انقلاب اسلامی فراخواند. به این دلیل بود که امواج انقلاب از مرزها گذشت و هریک از کشورها را در حد قابلیتشان متأثر و متحول کرد. آیت‌الله خمینی (ره) چون رهبری الهی - مردمی بود (ویژگی اول و دوم انقلاب)، رهبری‌اش در ایران و جهان اسلامی، وسعت و عمق و استمرار یافت.

چهارمین ویژگی انقلاب اسلامی ایران، «اصالت و مشروعیت» آن است. انقلاب ایران اصیل بود، نه وارداتی و تقلیدی. مکتب و اندیشهٔ انقلاب درونی بود. زیرا اسلام طی ۱۴۰۰ سال مبدل به جوهرهٔ فرهنگ و ملیت ایران شده بود و چنین مکتب تاریخی فطری و ریشه‌داری توانست به صورت اصیل و مستقل مردم را به صحنهٔ کارزار دعوت کند و در آن‌ها انگیزش و تحول پدید آورد. انقلاب به لحاظ تاکتیک و تدارکات نیز اصیل و مستقل بود و به خارجی‌ها و بیگانگان وابستگی نداشت، به همین دلیل نیز همهٔ دیده‌ها و اندیشه‌های مسلمانان را به خود جلب کرد. راه‌پیمایی و تظاهرات، اعتصابات و شعارهای مردمی، به مثابه اصلی‌ترین روش‌ها و تاکتیک‌های انقلابی، اصیل بود، نه تقلیدی. امام و امت انقلابی همچنین برای مبارزه با شاه، پول و اسلحه و نفرت از جایی نگرفتند و لذا امداد و وابسته به جایی نشدند. همهٔ این امور در نهایت توانست موجب آزادی و استقلال و الهام‌بخش ملل مسلمان شود.

انقلاب ایران مشروع و به حق بود. در اکثر مواقع انقلابی که به قصد آزادی و استقلال صورت می‌گیرد و با استبداد و استعمار روبه‌رو می‌شود هزینه‌های جانی و مالی زیادی برای مردم و رهبران انقلابی دربردارد که گاه هراس ناشی از همین هزینه‌ها و پی‌آمدهای آن، زمینه‌های عقلانی بروز انقلاب را از بین می‌برد و به بقا و حیات و استمرار دولت‌های استبدادی و استعماری و غاصب دامن می‌زند. اما رهبر انقلاب ایران ضمن فراهم کردن آمادگی‌های روحی و روانی در

مردم و افشاگری علیه نظام استبدادی و بسیج مردم، در مقام یک فقیه و مرجع دینی، حکم به عدم مشروعیت حکومت شاه داد و انقلاب و پی‌آمدهای مالی و جانی آن را مجاز شمرد و کشته‌های انقلابی را به منزله شهیدانی دانست که ارج و قرب عظیمی دارند. بنابراین پس از پیروزی انقلاب یا در حین انقلاب کسی نتوانست رأی به حرمت و تحریم انقلاب دهد و شاه را حفظ کند، چون یک فقیه جامع‌الشرایط، جواز شرعی انقلاب را صادر کرده بود و این جواز شرعی می‌توانست در هر کجای سرزمین اسلام برای برخورد با استبداد به کار آید.

۶- آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران

این پرسش که آثار و نتایج انقلاب اسلامی ایران چه بوده است، سیاسی‌ترین، حساس‌ترین و کاربردی‌ترین پرسش درباره انقلاب است، که دوست و دشمن، دولت و ملت، داخل و خارج به پاسخ آن بسیار حساس هستند. به عبارت دیگر، همگان می‌خواهند بدانند پس از گذشت دو دهه، این انقلاب چه آثار و نتایجی به بار آورده است؟ اگر ارزیابی‌ها مثبت باشد می‌توان پیش‌بینی کرد که مردم همچنان از نظام پشتیبانی خواهند کرد. اما اگر ارزیابی‌ها منفی باشد ثبات و بقای نظام در معرض تهدید قرار خواهد داشت.

باید بررسی شود که در زمینه فرد سازی و جامعه‌سازی، انقلاب چه کارنامه‌ای دارد؟ در داخل و خارج چه نتایجی به بار آورده است؟ به لحاظ فردی، در افکار و رفتار مردم چه تغییراتی به وجود آمده است؟ در داخل کشور چه تحولاتی صورت گرفته و تأثیرات آن در خارج از کشور طی این دو دهه چه بوده است؟ موضوع این مقاله در چارچوب پرسش اخیر قرار دارد و می‌کوشد تأثیرات انقلاب را طی بیست سال اخیر در خارج از کشور به خصوص در کشورهای اسلامی بررسی کند. در پاسخ به این پرسش فرضیه و مدعای زیر قابل طرح است که:

«انقلاب اسلامی ایران، تأثیرات محسوس و چشمگیری در کشورهای اسلامی به‌جای گذاشته و تحولاتی ایجاد کرده است.»

تأثیرات انقلاب در سه سطح؛ «دولت»، «توده‌ها و مردم» و «جنبش‌ها» قابل بررسی و تحقیق است. موضوع و محورهای تأثیر و تحول نیز عبارتند از: افکار و اندیشه‌ها، رفتارها و روابط، ساختارها و نهادها.

برخی از کلان‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی به شرح زیر است:

- ۱- احیا و اعتبار مجدد اسلام به مثابه مکتبی اجتماعی و سیاسی،
- ۲- الگو شدن اسلام سیاسی و حکومتی و طرح این الگو در جهان،
- ۳- الگو شدن تشیع و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی،
- ۴- احیا و پاگیری مجدد نهضت‌های اسلامی و مردمی،
- ۵- تأسیس نهضت‌های جدید،
- ۶- مطرح شدن نام ایران،
- ۷- حساس شدن و جدی تر شدن رابطه دولت‌ها و ملت‌ها،
- ۸- طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام،
- ۹- حساس شدن و جدی تر شدن رابطه جهان اسلام و غرب.^{۲۳}

طی بیست سال گذشته، در هر یک از سرزمین‌های اسلامی می‌توان یک یا چند تغییر و تأثیر از انواع فوق را مشاهده کرد.

مجراها و ابزارهای تأثیر انقلاب اسلامی

یکی از پرسش‌های مهم این مقاله آن است که چگونه و با چه امکانات و روش‌ها و ابزاری، انقلاب ایران بر کشورهای اسلامی تأثیر گذاشته است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت، تأثیر انقلاب در فراسوی مرزهایش به دو شیوه صورت گرفته است؛ مستقیم یا غیرمستقیم، و طبیعی یا ارادی. در توضیح این مطلب، خاطر نشان می‌شود که ایران در برخی کشورها مستقیماً حضور و فعالیت داشته، اما در برخی دیگر، تأثیر انقلاب اسلامی به‌طور غیرمستقیم و به‌صورت انعکاس اخبار انقلاب از طریق خبرگزاری‌های جهانی و رسانه‌های ملی و دولتی صورت گرفته است. در واقع در برخی کشورها، امواج انقلاب اسلامی بدون این‌که طرح و اراده خاصی پشت آن وجود داشته باشد، به‌صورت طبیعی اثر و نفوذ گذاشته است در حالی‌که در برخی دیگر از کشورها، ایرانی‌ها به‌طور جدی و ارادی وارد عمل شده و انقلاب اسلامی را تبلیغ کرده‌اند. ابزارها و سازمان‌هایی که به درجاتی در امر نشر و بسط اسلام و انقلاب در خارج از کشور فعال بوده‌اند عبارتند از: وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران،

- حوزه‌های علمیه و دینی، صدا و سیما، و خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- سایر محمل‌هایی که برای صدور و تبلیغ انقلاب اسلامی به کار گرفته شده‌اند، عبارتند از:
- ۱- حج براهت در مکه،
 - ۲- راه‌پیمایی روز قدس،
 - ۳- دهه فجر و جشن‌های پیروزی انقلاب اسلامی،
 - ۴- سالگردهای رحلت حضرت امام (ره)،
 - ۵- ارسال اخبار، کتب و نشریات،
 - ۶- اعزام مبلغ به خارج از کشور،
 - ۷- دعوت از افراد و دولتمردان و اندیشه‌گران خارجی برای شرکت در مراسم ایران،
 - ۸- کمک‌های نقدی، غذایی، دارویی، آموزشی و عملیاتی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به مثابه پدیده‌ای کلان، که خود معلول مجموعه و زنجیره‌ای از علل و عوامل بوده، علت وقایع و حوادث بی‌شماری گردیده است. یکی از آثار و پی‌آمدهای بسیار مهم آن، تحولاتی است که در کشورهای اسلامی به وجود آورده است. این امر موجب پیدایی فرصت‌ها و تهدیدهای بسیار زیادی برای کشور شده و هزینه‌ها و دست‌آوردهای زیادی داشته است، به طوری که امروزه در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، بنا به دلایل گوناگون، خود مبدل به یکی از مسائل بسیار مهم فراروی دولتمردان گردیده است. یکی از آن دلایل این است که هم‌اینک ایران با استفاده از حضور و نفوذ خود در بین مسلمانان این فرصت را به دست آورده است تا در خیلی از مواقع بر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های جاری در منطقه اثر بگذارد. برای نمونه جنبش‌های حزب‌الله در لبنان و انتفاضه در فلسطین که مستقیم و غیرمستقیم از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته‌اند، معادلات سیاسی و موازنه قدرت را بر هم زده و برای پیشبرد طرح‌های تحمیلی امریکا و صهیونیسم و برخی دولت‌های سازشکار عربی مانع جدی به وجود آورده‌اند. متقابلاً نقش و تأثیر انقلاب اسلامی موجب برانگیختن تهدیدات و تبلیغات قابل توجهی علیه ایران شده است، بدین معنا که از یک‌سو امریکا به‌طور مستمر با زدن انگ حمایت از تروریسم، علیه ایران اعمال فشار می‌کند و حضور نظامی و سیاسی خود را در منطقه توجیه

می‌نماید، و از سوی دیگر برخی از دولت‌های اسلامی گاه و بی‌گاه جنبش‌ها و شورش‌های مردم کشورشان را به تحریکات ایران و انقلاب اسلامی نسبت می‌دهند.

با اطلاعات و مفروضات فوق معلوم می‌شود که تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی، واقعیتی مسلم و مسئله‌ای بسیار مهم در بین پدیده‌های سیاسی فعلی است. به همین لحاظ بررسی و تحقیق آن اهمیت و ضرورت دارد. پژوهش مزبور پرسش‌های اساسی زیر را پیش‌رو دارد:

«انقلاب اسلامی ایران چه تغییرات و تأثیراتی در کشورهای مسلمان ایجاد کرد؟ چرا، چگونه و به چه میزان؟»

روشی که برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق به کار گرفته شد، چنین بود که ابتدا از انقلاب اسلامی ایران به منزله متغیری مستقل بحث شد و برای توضیح، تحلیل و توصیف انقلاب، چهار پرسش اصلی طرح گردید و در چارچوب پاسخ به آن‌ها، پرسش اصلی این مقاله به شرح زیر پاسخ داده شد:

* انقلاب اسلامی ایران چون پدیده‌ای دینی، تاریخی و ریشه‌دار است، به‌طور طبیعی و ارادی، مستقیم و غیرمستقیم در سطح دولت‌ها و جنبش‌های اسلامی، تحولات محسوس و چشمگیری به وجود آورده است و در این راه تشکیلاتی چون سپاه، صدا و سیما، وزارت امور خارجه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اقدام نموده و ابزارها و روش‌هایی چون حج برائت، راه‌پیمایی روز قدس، نشر اخبار و انواع رسانه‌ها، مراسم و سالگردها، کمک‌های نقدی، غذایی، دارویی، آموزشی به کار گرفته شده است.

پی‌نوشت

۱- «دانیل بایس» - مدیر مؤسسه تحقیقات سیاست خارجی فیلادلفیا - و «پاتریک کلرسون» وابسته به مؤسسه سیاست خارجی واشنگتن در مقاله‌ای چنین نوشته‌اند:

«تهران در سال ۱۹۹۲ به پنج طریق عمده، دشمنی خود را با غرب نشان داد:

اول، حمایت از تروریسم را ادامه داد. دوم، به حمایت خود از انقلابیون مسلمان که

می‌کوشند تا ثبات حامیان غرب را برهم بزنند، ادامه داد. سوم، در مقابل روند صلح

اعراب و اسرائیل سرسختانه عکس‌العمل نشان داد» (← پایس، دانیل و پاتریک کلرسون، «ایران پرواز همسایگانی گرفتار»، ترجمه علی مرشدی‌زاد، نشریه دانش سیاسی، آذر و دی ۱۳۷۲، ۷۷).

۲- «جیمز ووسلی» - رئیس سیا - در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۲ چنین نوشته است:

«ایران اصلی‌ترین پشتیبان مالی و نهیج‌کننده تروریسم در جهان است» (← زهرانی، مصطفی. «تروریسم دولتی، بهانه تجاوز نظامی امریکا»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۱۷، زمستان ۱۳۷۵، دانشکده علوم دفاعی دانشگاه امام خمینی (ره)، ۵-۲۶).

۳- پس از مشارکت ۳۰ میلیونی مردم در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ و اختصاص بیش از ۲۰ میلیون رأی به آقای خاتمی، نظام جهانی به خوبی نشانه‌های قدرت و ثبات نظام را درک کرد. دولت جدید با چنین پشتوانه‌ای، سیاست تنش‌زادی از روابط خود با منطقه و در سطح جهانی را توسعه و تعمیق بخشید. امریکایی‌ها نیز در مقابل این سیاست، فعالانه یا منفعلانه نه پاسخ‌ها و واکنش‌هایی نشان دادند. از جمله در هفدهم ژوئن ۱۹۹۸، شیوه دسترسی تدریجی به روابط (دوجانبه) عادی با ایران پیشنهاد شد. «البرایت» - وزیر امور خارجه امریکا - در همین باره توضیحاتی داد و با اشاره به مسئله حمایت ایران از تروریسم که همان حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، به‌ویژه جنبش مردم فلسطین است، گفت:

«ایران باید ثابت کند که دیگر از تروریسم حمایت نمی‌کند، از تخطی به حقوق بشر دست بردارد و اقدامات خود را در جهت دستیابی به سلاح‌های دوبرد و سلاح‌های اتمی متوقف نماید».

البته وزیر امور خارجه امریکا در این سخنان، بادقت و ظرافت خاصی از اشاره به مسئله مخالفت تهران با روند سازش اعراب و اسرائیل سرباز زد (← «امریکا و گفت‌وگو با ایران، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها»، پوین ماهانه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۱۱۹، مرداد و شهریور ۱۳۷۷، ۶۸، به نقل از روزنامه لوموند، مورخ نوزدهم ژوئن ۱۹۸۸).

۴- در این باره رجوع کنید به:

- حشمت‌زاده، محمدباقر. چارچوبی برای بررسی و شناخت انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه اندیشه

- مشیرزاده، حمیرا. «نگاهی به رهیافت‌های مختلف در مطالعه انقلاب اسلامی ایران»، رهیافت‌های نظری به انقلاب اسلامی، به کوشش عبدالوهاب فراتی، مجموعه ریشه‌ها، قم، ۱۳۷۷.

۶- رجوع کنید به:

- دکمچیان، هرایر. جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.

۱۲۱.

۷- رجوع کنید به:

- طلبعه انقلاب اسلامی، مصاحبه‌های امام خمینی در نجف، پاریس و قم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳، ۹.

۸- در مقدمه قانون اساسی چنین آمده است:

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسیّن نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای فاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص می‌کند و اکنون در طلبعه این پیروزی بزرگ ملت، با تمام وجود نبل به آن را می‌طلبید.»

۹- رجوع کنید به:

- مردودی، ابوالاعلی. نظام سیاسی اسلام، ترجمه علی رفیعی، بی‌نا، ۱۳۵۹، ۱۷.

۱۰- درباره رسالت جهان‌شمولی انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر آموزه‌های مکتب اسلام است، اصل یکصد و پنجاه و چهارم از فصل دهم که مربوط به سیاست خارجی است، کاملاً گویاست. این اصل، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

۱۱- عین متن پیام امام (ره) به این شرح است:

«نهضت ایران مخصوص به خودش نبوده و نیست برای این‌که اسلام، اختصاص به طایفه خاصی ندارد. ما که نهضت کردیم برای جمهوری اسلامی بوده است. نهضت برای اسلام نمی‌تواند محصور به یک کشور باشد نه حتی به تمام کشورهای اسلامی» (- پیام امام خمینی «ره» به زایران بیت‌الله الحرام، آبان ۱۳۵۸، روزنامه اطلاعات).

۱۲- عین متن پیام امام (ره) به این شرح است:

«ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای منجی و مصلح کل و امامت مطلقه، امام زمان ارواحنا له فداه هموار می‌کنیم» (← پیام امام خمینی «ره» به حجج بیت‌الله الحرام، مرداد ۱۳۶۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۳۱).

۱۳- میزگرد «تحولات جدید منطقه‌ای و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴.

۱۴- رجوع کنید به:

- مسجد جامعی، احمد. «تهاجم فرهنگی»، در مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۱۵- به مجموعه مقالات سمینار «تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۷) رجوع کنید.

۱۶- نگاه کنید به:

- کوئن، پروک. *مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس نوسلی و رضا فاضلی*، تهران: سمت، ۱۳۷۲، ۴۱۱.

۱۷- رجوع کنید به:

- دلآوری، ابوالفضل. *ایران در عصر قاجاریه در حدیث انقلاب*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران: ۱۳۷۷.

- ازغندی، علیرضا. *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۱۳۵۷-۱۳۳۰.

۱۸- نگاه کنید به:

- محمدی، منوچهر. «علل و عوامل بروز جنگ تحمیلی». فصلنامه بررسی‌های نظامی، سال چهارم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۷۴، ۲۸.

۱۹- نگاه کنید به:

- سمعی، محمد مهدی. «نقش تروریسم در تبلیغات سیاسی امریکا علیه اصول‌گرایی»، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، مجله سیاست دفاعی، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، ۱۶۳.

۲۰- در این باره نگاه کنید به:

- وصیت‌نامه امام خمینی (ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ چهارم،

۱۳۶۸، ۸.

۲۱- در این باره رجوع کنید به:

- در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر دهم، انقلاب اسلامی، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ۱۵۲.

۲۲- نگاه کنید به:

- بازارگاد، بهاء‌الدین. تاریخ فلسفه سیاسی، جلد سوم، زوار، چاپ چهارم، ۱۳۵۹، ۹۴۳.

۲۳- رجوع کنید به:

- احمدی، حمید. انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی (مجموعه مقالات

درباره جهان سوم)، به کوشش حاتم قادری، نشر سفیر، ۱۳۷۳، ۱۱۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی